



# خانواده متعادل

دکتر علی قاضی

اجتماعی ، ناشی از ازدواج زن و مرد ، که وجود فرزندان آن را تکمیل می کند .  
 از نظر اسلام خانواده گروهی است متشکل از افرادی که در سایه روابط مشروع خویشی دارای شخصیت حقوقی و مدنی می شوند .  
 چنین خانواده ای در اسلام بر اساس اهداف

بحث مربوط به خانواده را از کلمه نکاح یا عقد زناشویی آغاز می کنیم . نکاح از نظر ما عقد یا قرار دادی است که بر اثر آن رابطه زوجیت مشروع می شود و هم در سایه آن خانواده به وجود می آید .  
 خانواده از دید جامعه شناسان واحدی است

و مقاصدی پدید می‌آیند که اهم آنها عبارتند از :

پاسخ به ندای فطرت ، اقماع غریزه ، عمل به سنت پیامبر ، حفظ و صیانت وجود از خطر ، دستیابی به سکون و آرامش ، حفظ دین و عفت و وصول به مرحله تکمیل و تکامل ، دستیابی به مودت و رحمت ....

بر اساس بینش اسلامی ، پدیده هابه صورت زوج آفریده شده‌اند و انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست . می‌خواهیم بگوئیم آنکس که فرد است کامل نیست ، کمال او در صورت زوجیت و ازدواج امضاء می‌شود .

در مورد نقش و اهمیت خانواده باید گفت جامعه‌شناسان آن را هسته اول همه سازمانها و نهادهای اجتماعی می‌شناسند و از پنج عاملی که در ایجاد تمدن موثر می‌شناسند ، برای خانواده نقشی فوق العاده قائلند . می‌گویند خانواده موثر است در اخلاق جامعه ، سببی است برای کاستن جرائم و انحرافات و در کل قائلند خانواده می‌تواند زمینه ساز انحرافات و شرافتمندی‌های بسیار برای جامعه باشد .

وضع متزلزل دنیای امروز تا حدود زیادی به خانواده مربوط می‌شود ، مخصوصاً " درجهان غرب که از دیدی می‌توان گفت خانواده‌ها یکسره رها کرده‌اند و فرهنگ کودکانها و مهد کودک هاجای فرهنگ خانواده است . در مورد اهمیت خانواده از دید اسلام کافی است نگاهی ولو اجمالی داشته باشیم به آیاتی از سوره های بقره ، فرقان ، انفال ، نساء ، نور تحریم ، طلاق و .... قرآن پیمان ازدواج را میثاقی غلیظ یا پیوندی استوار و محکم خواند و مسأله تشکیل خانواده را از آیات خدا ذکر کرده است .

(وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا )

بر اساس بینش ماکودگان در خانواده ها بر اساس فطرت پاک الهی امین و سالم بدنیا می‌آیند و عوامل متعددی دست به دست هم می‌دهند که او را به آلودگی بکشاند و یکی از مهمترین این عوامل خانواده است .

خانواده‌ها از لحاظ نوع برخورد ها و ارتباط با دیگران کلا " به دو گروه تقسیم می‌شوند : خانواده باز و خانواده بسته . خانواده ای را باز می‌خوانیم که باب آمد و شد و معاشرت با هر کس و هر گروه گشاده باشد و شک نیست که چنین خانواده هائی از لحاظ فرهنگی غنی و درجه بر خور داری از میراثهای اجتماعی و آشنائی با طرز فکرها و آداب و رسوم پرمایه ترند ولی خطرات و عوارض و آسیب هائی آنها را میسرزند .

و خانواده‌ای را بسته می‌خوانیم که باب آمد و شد آن با دیگران محدود و رفت و آمدها تحت کنترل باشد ، که اینگونه خانواده ها از لحاظ برخوردار ی از میراثها فقیرتر ولی فرهنگ خودشان سالم تر و دست نخورده است .

از دید دیگر ، خانواده ممکن است بسامان باشد یا نابسامان ، خانواده‌ای را به سامان گوئیم که عوامل آشفنگی و از هم گسستگی در آن نفوذ نکرده باشد و برعکس خانواده‌ای را نابسامان گوئیم که در آن عوامل از هم گسستگی و آشفنگی بسیار باشد و من تفصیل وضع چنین خانواده‌ای را در کتاب " کودک و خانواده نابسامان " از انتشارات انجمن اولیاء و مربیان منعکس ساخته ام .

خانواده از جهت سوم ممکن است متعادل یا نامتعادل باشد که در حقیقت جلوه‌ای از خانواده

جزد رگناه ، بهره گیری از تجارب ، و . . .

### ویژگی دوم

زندگی برمبنای مسئولیت است مثل  
مسئولیت ارشادی مرد ، مسئولیت اقتصادی او  
و . . . . . مسئولیت گرم داشتن کانون توسط  
زن ، مسئولیت تفاهم ، مسئولیت مسادری  
مسئولیت جذب و انجذاب . . . . .

### ویژگی سوم :

رسیدگی به اصل خانه ، تقسیم اوقات  
شبهانه روزبه سه قسمت ، بخشی برای کاردربرون  
که یک سوم اوقات شبهانه روز را پر کند و کسی که به  
این میزان کار کند ولی درآمدش نکافوی زندگی  
را نکند مستحق است و دیگران باید او را اداره  
کنند و زندگی او را ترمیم نمایند . بخشی را برای  
خواب و استراحت و قسمت سوم را برای ارتباط  
با اعضای خانه ، شناخت خود ، ارزیابی خود  
انتقاد از خود ، عبادت و ارتباط با خدا . . .

بسامان و نابسامان است و من در این مجلس  
سعی دارم ویژگی های آن را بصورت لیست و  
فهرستی عرضه بدارم و البته بصورت خلاصه و با  
رعایت اختصار .

### ویژگی اول :

در خانواده متعادل روابط براساس حقوق  
است ، اصولاً " ازدواج پدید آورنده حق و  
تکلیف است بخصوص در رابطه با فرزندان که  
براساس بینش اسلامی طلبکار دنیا می آیند و  
والدین بدهکار ، در خانواده های که زنی باشد و  
شوهری ، فرزند یا فرزندان ، کلاً " پنج گونه  
حق و تکلیف وجود دارد و خانواده متعادل  
رعایت کننده این پنج دسته حق و تکلیف  
است .

۱ - حقی مشترک برای زن و شوهر که  
عبارتست از مضاجعت و تمکین ، ستر و پوشش هم  
بودن ، وحدت و انس ، معاشرت نیکو . . . . .  
۲ - حق اختصاصی زن که شامل حق نفقه  
حق احترام :

مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيَكْرِمْهَا

پیامبر فرمود هرکس زنی می گیرد باید او را  
احترام کند ، حق برخورد خوش و مدارا ، حق  
پیشگیری و منع از لغزش .

۳ - حق اختصاصی شوهر که شامل اطاعت  
از شوهر جز در معصیت خدا ، حفظ عفت خود و  
شوهر ، مدیریت کانون ، اخلاق خوش ، تحمل  
شوهر

۴ - حق فرزندان که شامل حق پذیرش  
احترام ، تغذیه - پوشش ، آموزش ، پرورش  
تسمیه و . . . که حدود بیش از سی حق است .

۵ - حق والدین - که احترام است ، اطاعت



حق ندارد پدر یا مادر شود چون پدری یا مادری نوعی امانت داری خداوند است آنکس که لایق امانتداری خدانیت نباید به این کار تن در دهد. فردی به نزد معصوم ع آمد و سخن از محبتی و عشقی به زنی داشت و از امام برای ازدواج با او کسب اجازه می کرد. امام از علت خود داری او از ازدواج پرسید گفت بدان دلیل کهقل اوسیک است و یاسفیه است امام فرمود اگر می خواهی با او ازدواج کن ولی از او بچه دار نشو.

این طرز فکر که در ذهن مردم است که نسل را زیاد کنند خوبست ولی تحت شرایطی - همه شنیده اند که پیامبر فرمود

تَنَاقَحُوا وَتَنَاسَلُوا فَإِنَّ أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمُ وَلَسُو بِالسَّقِطِ - ولی فکر نکرده اند که کلمه اباهی خود سببی برای کنترل نسل است پیامبر به وجود نسلی افتخار می کند که زبینه باشند نه هرکسی.

در حدیثی از پیامبر آمده در مورد آخر الزمان که بحث از اخبار عینی و ابداع و اختراعی دارد و در آن این جمله آمده است که مردی پرسید

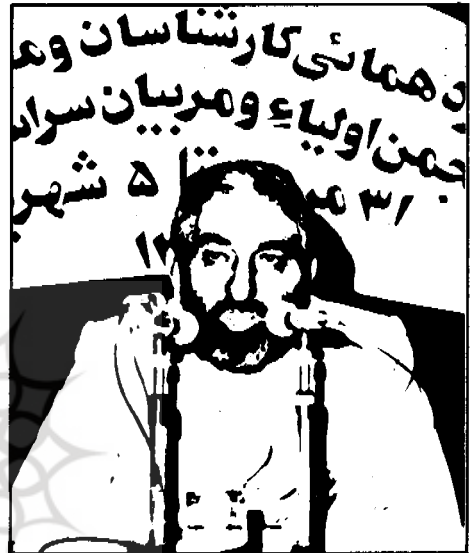
أَهِي سَلِيمَةٌ يَوْمَئِذٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ؟

آیا در آن روزگار دین مومن و مومنه سالم است؟ پیامبر فرمود **أَيُّنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ؟** در آن روزگار مومن کجاست؟ **النَّاسُ يَوْمَئِذٍ سَرْمِنَ الْحُمْرِ** مردم در آن روزگار از چهار پایان هم بدترند. زن و مرد چون حیوان بهم می پزند (ازدواج شان هدفدار نیست)

وَلَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ يَقُولُ لِأَخِيهِمْ هُمْ مَهْ مَهْ

یک نفر نیست به آنها بگوید، ای بابا، بس

در اینجا بدنیت پراختزی را باز کنم و آن اینکه برخی از افراد مذهبی به اسم دین وحتى بخاطر دین بیش از اندازه سرگرم کار می شوند بگونه ای که صبح زود از خانه بیرون میروند و کودک خوابیده است، و شب هم دیر وقت بخانه برمی گردند باز هم کودک خوابیده است و گاهی کودک بمدت یک هفته پدر را نمی بیند و



از او بهره نمی گیرد. این عینیت در رابطه با همسر بشرط مصالحه قابل جبران است و زن می تواند حق خود را ببخشد - اما در رابطه با فرزند چنین حقی نیست. کودک برای رشد پدر می خواهد، مادر می خواهد و طفلی که این حق از او سلب شود ممکن است راه انحراف را طی کند.

#### ویژگی چهارم:

مراقبت در رابطه هاست و تعادل در برخوردها. در اسلام آدمی حق ازدواج دارد برای ارضای مشروع غریزه ولی در رابطه با فرزند دار شدن این حق مشروط است. هرکسی

است ، متوقف کنید . . .

غرض این است که اسلام نمی خواهد نسلی بی هدف در جامعه پدید آید نسلی را می خواهد که وجودش مایه افتخار اسلام باشد و شما باید ببینید آن نسل چگونه نسلی است ؟

### ویژگی پنجم :

برای یک خانواده متعادل وجود نسل است . فرزندان مایه زینت والدینند در عین اینکه به تعبیر قرآن فتنه و مایه آزمایشند . وجود فرزند سبب آن است که زن و مرد درخت وجود خود را میوه دار و باثمر ببینند و اسلام تأکید دارد که وجود خانه به وجود فرزندان صالح مزین باشد .

باینکه در اسلام طلاق بعنوان ابغض الحلال تعبیر شده در مورد نازائی همسر این مبغوضیت برداشته می شود و این بدان خاطر است که تداوم و بقا و القای نسل از سنن الهیه است . بفرموده شهید مطهری وقتی خداوند بخواهد سنت ابقای نسل خود را در جامعه بحریبان بگذارد زن و مردی را که باهم بیگانه اند چنان

دلباخته هم می کند که برای امری که از لحاظ ساخت و شکل هیچگونه زیبایی هنسری در آن متصور نیست سروجان فدایمی کنید . دستگاه تناسلی زن و مرد از نظر هنری هیچگونه جاذبه ای ندارد ولی همین دستگاه وسیله ای برای جاذبه و کشش می شود و دوفرد را دلداده هم می سازد .

### ویژگی ششم :

پرهیز از عوامل برهم زننده امنیت خانواده است مثل اختلاف در مذهب ، اختلاف در فکر اختلاف در زمینه هائی چون معاشرت های ناباب ، اختلافات سیاسی ، انضباطی سختگیری های بسیار ، ایجاد مضیقہ های اقتصادی ، روانی ، عاطفی و . . . . .

### ویژگی هفتم :

برای یک خانواده متعادل آمادگی ، تهیوؤ زن و شوهر است برای یکدیگر بگونه ای که این دو خود را برای پاسخ به تمناهای هم خویش را آماده نشان دهند . در این جنبه احساس خستگی ، کسالت ، سردی و بی اعتنائی نباشد . بگفته بزرگی اسرار مهم درگیری های خانواده را باید از بستر مشترک جستجو کرد و دیگر مسائل بهانه است .

### ویژگی هشتم :

برای خانواده متعادل وجود زمینه های دلگرمی در محیط خانواده است . خانه باید برای زن و مرد پناهگاه باشد ، درکشاکش زندگی در محیط خارج ، در آن هنگام که زندگی بر مذاق ها سخت می آید مرد یازن باید به خانه پناه برد و محیط خانواده باید آن ظرفیت و



تفاوتی گذارده نشود و حتی اگر مردی دارای دو همسر است در بین آنها تبعیضی قائل نباشد .

#### ویژگی دهم :

وجود رابطه حسنه در خانواده است خانواده‌ای که در آن مشاجرات نباشد ، درگیری بین اعضای خانواده وجود نداشته باشید . فرزندان به تعداد لیاقت اداره والدین در تربیت باشد . آن کس که نمی تواند از پس مسؤولیت تربیت و سرپرستی ۸ کودک برآید خطاست که بدین مقدار زاد و ولد کند . فرزند داری تنها بر کردن شکم و پوشاندن لباس نیست - نباید حساب کرد که اینها خودشان بزرگ می شوند و یا خدا آنها را بزرگ می کند . آری خداوند آنها را بزرگ می کند ولی از کانال والدین . بهمین نظر است که زمام امر تولیدش را به دست والدین سپرده و بارضایت زن و شوهر عزل منی جایز است .

#### ویژگی یازدهم :

برای وجود خانواده متعادل انضباطی حساب شده است . انضباطی که در سایه آن آزادی مشروط و مقید باشد نه مطلق و بی بندوبار . زن آزاد است درچار چوب شرع و مردم آزاد است بر همین اساس و فرزندان آزادند بدان شرط که آزادی‌شان موجب صدمه ای بر خود و دیگران و خلاف ضوابط شرعی نباشد .

هم چنین در این خانواده پدر و مادر نباید مستعفی از تربیت و انضباط باشند و غرض ما



لیاقت را داشته باشد که اعضای خود را پناه دهد .

در شرح حال امیرالمومنین علی (ع) آمده بهنگامی که او در کاشاکش دشواری های سیاسی قرار می گرفت و زندگی برای او غیر قابل تحمل می شد می گفت بخانه روم و یا فاطمه سخن گویم و آرام گیرم . و این امر حتی بعد از وفات فاطمه برای او نقل شد که بسرقبر فاطمه می رفت و باقبر او راز دل می گفت .

خانه باید برای زن ، شوهر ، فرزندان محل امن باشد ، در آن دلجوئی باشد ، زبان خوش باشد ، همدردی و همدلی باشد ، همرازی باشد لذت های مشروع در آن موجود باشد . . .

#### ویژگی نهم :

وجود عاطفه‌ای اندیشیده برای خانواده است ، خانواده‌ای که در آن محبت متعادل و به دور از افراط و تفریط باشد ، هستی آن بدور از تبعیض و ناروایی باشد . بین فرزندان از لحاظ جنسیت ، زیبایی ، شیرین زبانی

نیسگون او در غیبت مادر در امان باشد .  
خود را با برادر ارشد تطابق دهد تا از توسری  
خوردن در غیبت پدر راحت باشد .

ویژگی سیزدهم :

این است که این خانواده اقتصادی متوسط  
و میانه رو دارد در آن فقر نیست زیرا که بفرموده  
امیرالمومنین و اما ان من الفقر، فقر هیبت پدر را  
می شکند ، شخصیت او را خرد میکند آبروی  
پدر فقیر در نزد همسرش و فرزندانش ریخته  
شده است .

حتی فقر در مواردی عزت نفس را می کشد  
پدر را در نزد همسر و فرزندان به آه و ناله  
و امیدارد و چنین پدری دیگر حرمتی ندارد. اگر  
فقیر است لااقل عزت نفس باید باشد، زیرا  
بلای بزرگتر از فقر بلای عدم تحمل فقر است.

از استغای پدر در تربیت این است که به  
اصطلاح عوام کلاهشان بی پشم باشد .  
اصولاً "والدین باید هیبت و سندیتی داشته  
باشند اگر پدر نگاه تندی کرد با اصطلاح ماستها  
توی کیسه شوند .

در این انضباط پدر و مادر ناظر فرزندند نه  
مداخله گر ، به بچه ها نظارت و جهت دهی  
دارند نه مداخله بسیار و امر و نهی زیاد ، اجازه  
میدهند کودک بازی کند ولی نه بگونه ای که  
صدمه و خطری بیافریند .

ویژگی دوازدهم :

برای یک خانواده متعادل داشتن کنترل و  
ثبات در آن است . تصمیم گیری ها اندیشیده  
و مشکی ها حساب شده است . امر و نهی شان

## کودکان در خانواده ها براساس فطرت پاک الهی، امین و سالم بدنیا می آیند

تنها فقر بدبختی نیست که رفاه زدگی هم موجب  
بدبختی و عدم تعادل است . بچه ای بیول  
برایش مسأله نباشد بدبخت است . زیرا  
ارزش زندگی در لذت و طلب است و آنکس که  
خویشتن را بی نیاز و مرفه بشناسد بدبخت است  
بهترین زندگی آن است که براساس حد متوسط  
باشد و جزو ۵۰ درصد جامعه باشد .

روی ضابطه است . در خانه انضباطی واحد  
حکومت می کند . آنچنان نیست که پدر دستوری  
دهد و مادر آن را لغو کند و برعکس . خواهریا  
برادر ارشد امر و نهی ندارند و دستوروالدین  
را لغو نمی کنند زیرا که در آن صورت کودک  
منافق بارمی آید و ناگزیر است خود را با  
شرایط هر کدام از آنها جداگانه وفق دهد .  
مجبور است با خواهر ارشدش بسازد تا از شر

باشند و نه جاهل ، جاهل نباشند یعنی بدانند که فرزندشان به کجا باید برود و برگردد ، چه باید بکند ، باچه کسی مراوده دارد ، به کجا می رود و . . . . .

نکته‌ای را تذکر دهم و آن اینست که در جامعه انقلاب اسلامی محقق شده و احکام قرآن در طریق اجرا و عمل است ولی این امر نباید ما را غافل کند که در جامعه لغزش نیست ، گناه نیست ، آلودگی نیست . والدین باید به این نکته توجه داشته باشند و وظیفه دارند دست فرزند خود را بگیرند و به مدرسه ببرند و بیاورند خطر همیشه در دوقدمی شماست . در فاصله ۵۰ متری خانه و مدرسه گرسنگان شهوت بسیاری ممکن است باشند که شرح عملکرد برخی از آنان را در روزنامه ها می خوانید . ساده اندیشی نداشته باشیم که بچه ما بحمدالله بزرگ شده و خود می تواند به مدرسه برود و برگردد . خطر فقط یکبار به سراغ آدمی می آید و در آن یک بار ممکن است به قیمت جان و یا شرف خانوادگی تمام شود .

هم چنین خانواده‌ای که در آن فقط یک فرزند وجود دارد ( سیستم تک فرزندی ) خانواده نامتعادل است . از سعادت خانواده‌ها وجود فرزند دوقلو در زایمان اول است . وجود خانواده تک فرزندی بلائی است که درمان درد آن با فرزند دوم است . بچه های خردسال خود شان یک دیگر را تعدیل می کنند . این فکر خطائی است که فردی حساب کند یک بچه را بزرگ کنیم بعد فرزند دوم ، بعد فرزند سوم باشد در چنان صورت ضمن وارد آمدن صدمه‌ای به کودکان پدر و مادر هم عمری باید کلفت

بقیه در صفحه ۳۷

### ویژگی چهاردهم :

خانواده متعادل این است که در منطقه متعادل و خوب زندگی کند . از نظر آسیب شناسان منطقه زندگی ممکن است جرم را باشد مثل منطقه های شلوغ ، منطقه هایی که در آن فقر فرهنگی است . خانواده‌هایی که در محیط پر جمعیتی زندگی می کنند و در خانه ای هستند که چهار اطاق دارد و چهار مستاجر و هر کدام چند فرزند دارند . در یک اطاق چهار بچه با پدر و مادر زندگی می کنند . این خانواده نامتعادل است مگر آنکه پدر و مادری سالم و پخته و مراقب داشته باشند که به فرزندان خود برسند و آن ها را از جمعیت و شلوغی ها جمع و جور کنند . خانه ای که در آن پدر و مادر و پسر و دختر کوچک و بزرگ باهم در یک اطاق زندگی می کنند خانواده نامناسب و جرم خیز است . احتمال بسیار دارد که گاهی فرزندان بیدار و شاهد روابط والدین باشند و این خود ریشه و منشاء بسیاری از انحرافات جنسی است .

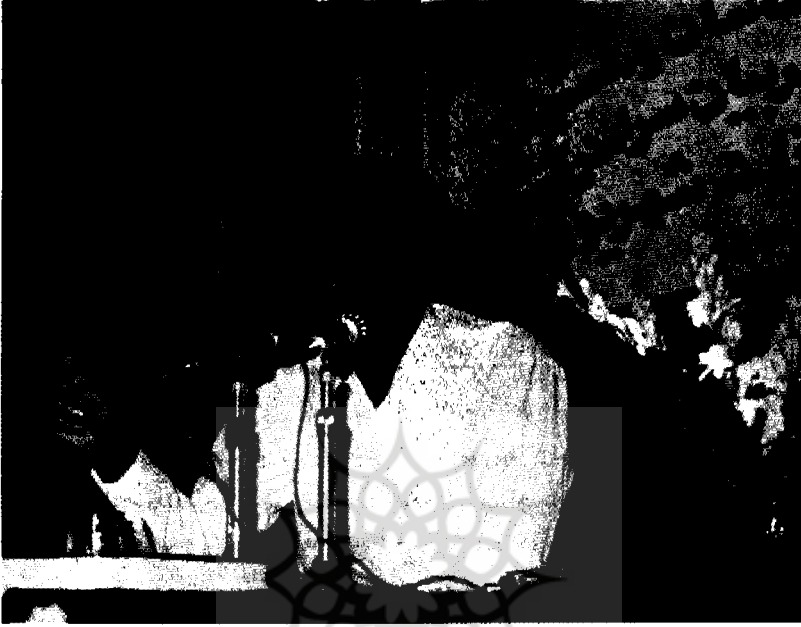
### ویژگی پانزدهم :

برای خانواده متعادل این است که در خانه پدر یا مادر مجرم نباشند ، در آن خانواده آلودگی نباشد ، خوشگذرانی و اعتیاد نباشد . شرافت و عفت در خانه حکومت کند ، پدرش تن به جرم ندهد و گوشه زندان نباشد و مادر از آلودگی و انحراف سردر نیاورد .

### ویژگی شانزدهم :

خانواده ای است که در آن والدین نه غافل





پژوہ گاہ علوم انسانی و مطالعات عربی

رٹائرڈ ایف ایچ ایم اے

چکیدہ ای اربجٹ مدیریت آموزشی

نقش کارشناسان و سٹولان نخبین اولیاء و مریبان

احمد صافی

قال علی (ع):

اَوْصِيكُمْا وَجَمِيعَ وُلْدِي وَ اَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي

بِتَقْوَى اللّٰهِ وَنَظْمِ اَمْرِكُمْ وَ صَلاَحِ ذَاتِ بَيْتِكُمْ :

### مدیریت و سیر مختصر آن

اهم نکات و مواردی که رعایت آنها موجب توفیق کارشناسان و مسئولان انجمن اولیاء و مربیان در ایفاء وظایف خویش خواهد بسود اشاره می شود .

مدیریت بمعنی و مفهوم اعم آن فکر تازه‌ای نیست و مطالعهٔ سیر تحول آن در جوامع گوناگون و در ازمینهٔ مختلف مبین آن است که در زمانهای بسیار قدیم و از عهدی که آدمی زندگی اجتماعی خود را آغاز نموده است ، به نوعی از مدیریت استفاده نموده است .

آنچه در سیر تحول مدیریت از آغاز تاکنون مورد توجه و بررسی است ، روشها و فنون مدیریت است که در هر زمان و عصری طبق سواریت اجتماعی و شرایط و امکانات محیطی ، مدیران شیوه یا شیوه‌هایی خاص را در ادارهٔ انسانها و سازمانهای مختلف بکار گرفته‌اند .

در گذشته مدیریت اغلب یک هنر تلقی می شد و مدیران موفق را مدیرانی می شناختند که از پاره‌ای خصایص ذاتی برخوردار بوده و از استعداد رهبری ، هماهنگی و بکارگیری نیروهای مختلف برخوردار باشند .

از اواخر قرن ۱۹ بویژه اوایل قرن بیستم به دلایل متعدد ، در نظام یا سیستم مدیریت تحولی پدید آمد . و به دنبال آن تئوریهای مختلف در مدیریت ارائه شده است کسه از مهمترین آنها ، تئوری کلاسیک ، نئوکلاسیک بروکراسی ، رفتار سازمانی ، و سیستمی رامی - توان نام برد .

فرمود مولا علی (ع) ، من شمارا وهمهٔ فرزندانم واهلم و هرکس که این نوشته به او رسد وصیت می کنم به پرهیزگاری خداوند ، رعایت نظم در امور و برقراری صلاح بین یکدیگر .

در این گفتار کوتاه ، جامع ترین شکل مدیریت رامی توان نظاره کرد ، شکلی که در آن ارتباط انسان با خدا ، باخود و با مردم مورد تاءکید و توجه است .

در مدیریتهایی که هم اکنون در اغلب کشورهای جهان رایج است تکیه بیشتر بر سوسمین نوع ارتباط یعنی ارتباط با مردم است . اما آن نوع مدیریتی که ارتباط مدیران را با مردم ، و ارتباط آنان را باخود در چتر ارتباط با خدا تعیین و تبیین می نماید ، جامع ترین ، موثرترین و کارا ترین شکل مدیریت می تواند باشد .

امید آنکه گفتار نغز مولا علی (ع) که طی نامه ها و خطابه های متعدد در زمینهٔ مدیریت مطرح شده و در کتاب عظیم و بسی نظیر نهج البلاغه آمده است محور مدیریت همهٔ مدیران در رده های مختلف مدیریت قرار گیرد .

با عنایت به گستردگی بحث مدیریت آموزشی و با توجه به وقت محدود در این جلسه به شمائی مختصر از مدیریت و مدیریت آموزشی شامل مفهوم ، سیر مختصر گذشته ، تعاریف ، اهمیت مدیریت و مدیریت آموزشی ، اکتفا نموده ، به



شده است. ساده ترین تعریف در مدیریت را :  
هنر انجام دادن کارها بوسیله دیگران  
و در تعریفی جامع تر ، مدیریت هماهنگی  
منابع انسانی و مادی در جهت تحقق و تکمیل  
هدفهای سازمانی ، گفته اند .

مدیریت آموزشی رانیز به کار برد اصول  
تکنیک ها و روشهای مدیریت در سازمانهای  
آموزشی و پرورشی برای تحقق اهداف این  
سازمانها تعریف کرده اند و هدف از این نوع  
مدیریت را راهنمایی ، مددکاری و ایجاد  
محیط مناسب برای فعالیت ذکر کرده اند .

دقت در تعاریف مدیریت و مدیریت آموزشی  
نشان می دهد که : مدیران آموزشی با بهره گیری  
از قابلیت های وجودی خویش و با استفاده از  
تکنیک ها و روشهای مدیریت تلاش می کنند تا  
از تواناییهای انسانی و امکانات مادی سازمان  
آموزشی حداکثر بهره را گرفته ، تلاشهای فردی  
و گروهی را هماهنگ نموده ، و همه منابع و  
فعالیتها (اعم از انسانی و مادی) را در جهت  
نیل به اهداف سازمان ، رهبری نمایند .

از آنجاکه در مدیریت اسلامی مدیران موظفند  
علاوه بر اداره کردن و بهره وری از حداکثر

بر اساس مطالعات انجام شده در حوزه  
مدیریت و ارائه تئوریهای مختلف در این زمینه  
این نظر مورد تاءکید قرار گرفته است که مدیریت  
همانند دانشهای دیگر یک علم است و لذا  
قدرت مدیریت و توفیق در اداره دیگران  
مستلزم آگاهی کامل مدیران از دانشهایی است  
که فن مدیریت بر آنها پایه گذاری شده است .

با توجه به این نگرش مدیریت علم است و  
همچون سایر علوم آموختنی است و لذا باید به  
یادگیری این دانش برای توفیق در کار مدیریت  
همت گماشت .

برخی توفیق مدیریت را با میزان تجربه  
مدیر همبسته می دانند و باروری مدیریت را  
منوط به درگیر شدن با مشکلات و مسائل در عمل  
و بدست آوردن تجربه مورد تاءکید قرار  
قرار می دهند .

دقت نظر در دیدگاههای فوق و سیر تحول  
مدیریت نشان می دهد که بدون عنایت به هر  
کدام توفیق در مدیریت و مدیریت آموزشی  
زیاد نخواهد بود . و لذا توانایی های وجودی  
و قابلیت های خدادادی ، آگاهی از اصول و  
تکنیک های مدیریت و برخورداری از تجارب  
عملی ، ضمانتی بر توفیق مدیران بویژه مدیران  
آموزشی خواهد بود .

توجه به دیدگاههای فوق ، کسانی را که در  
انتخاب مدیران سطوح مختلف نقش دارند  
می تواند یاری دهد و آنان را در انتخاب  
ضوابط صحیح کمک نماید .

تعاریفی از مدیریت و مدیریت آموزشی

برای مدیریت و مدیریت آموزشی با توجه به  
به بینش صاحب نظران ، تعاریف متعددی ارائه



امکانات و منابع سازمان به رشد و تعالی افراد بپردازند، لذا مدیران آموزشی باید علاوه بر اداره سازمانهای آموزشی و بالا بردن حداکثر کارایی آنها، محیطی فراهم آورند تا رشد معنوی و کمال اعضای درون سازمان آموزشی نیز به خوبی میسر گردد.

### انواع مدیریت

باتوجه به نیاز انسانها و جامعه ها سازمانهای متعدد بوجود آمده و بتدریج گسترش یافته و می یابند، نظیر سازمانهای فرهنگی آموزشی، پرورشی، صنعتی، بازرگانی تنوع سازمانها، تنوع مدیریتها را نیز می طلبد که از بین آنها، مهمترین، موثرترین ظریف ترین و درعین حال حساس ترین نوع مدیریت را، مدیریت آموزشی می توان بشمار آورد.

مدیریتی که در سازمانهای آموزشی و پرورشی قابل طرح است و موضوع این سازمانها، انسان است و پرورش قابلیتهای خدادادی او، رشد دادن به ابعاد وجود او، ساخت او در جهت فطرت و بالاخره هدایت صحیح و منطقی او در جهت کمال، مدیریتی که نقش هدایتی مددکاری، تقویتی و همفکری دارد. مدیریت که می کوشد تا فضائی سالم بوجود آورد، فضائی که در آن از یکسو فرصت رشد اخلاقی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی و جسمانی در کودکان، نوجوانان و جوانان فراهم آید و از سوی دیگر کارکنان اداری و آموزشی سازمان، همه قابلیتها و مهارتهای خویش را در خدمت تحقق اهداف سازمانهای آموزشی و پرورشی قرار دهد. لذا آنانکه به گونه ای در کار مدیریت آموزشی مسئولیت دارند و هدایت سازمانهای مختلف

اینک به قسمتی از این خصایص، آگاهیها و مهارتها که به دنبال یک بررسی در زمینه مدیریت مدارس، تربیت و انتخاب آنان مورد تأکید قرار گرفته است اشاره می شود. (۱)

— مبانی اسلامی رهبری و مدیریت را بدانند و سرلوحه کار خود قرار دهند.

— با فرهنگ ملی و اسلامی کشور خود آشنایی کافی داشته باشند.

— نظام آموزش و پرورش کشور خود را به خوبی بشناسند و از سوابق و تحولات تاریخی آن آگاه باشند.

— از فلسفه، ارزشها، هدفها و مقاصد کلی آموزش مطلع باشند.

— با اندیشه ها و نظریه های مدیریت و رهبری آشنا باشند و به اقتضای محیط کار خود آنها را بکار بندند.

— به کار خود به عنوان مدیر آموزشی، نگرش آگاهانه و علمی داشته باشند.

— بر مسئولیتهای و وظایف چند بعدی آموزشی ارشادی، فرهنگی، اجتماعی و اداری خود واقف باشند.

— مشکلات و مسایل مدارس و نظام آموزشی را در رابطه با شرایط و ویژگیهای جامعه تجزیه و تحلیل کنند.



بعد موکول کرده و در ارتباط با این مباحث به نکات زیر اشاره می کنیم .

کاربرد بحث مدیریت آموزشی در انجمن اولیاء و مربیان  
ونگات مورد توجه کارشناسان و مسئولان انجمن

با توجه به مباحث مطرح شده یکی از سازمانهای مهم آموزش و پرورش که رسالت پیوند و برقراری ارتباط صحیح بین اولیاء و مربیان را در کشور برعهده دارد ، انجمن اولیاء و مربیان است . انجمن براساس اهداف ، وظایف و نوع سازماندهی در مرکز ، استانها ، شهرستانها و مدارس ، فعالیت دارد .

ارتباط مدیران ، کارشناسان و مسئولان انجمن در رده های مختلف به شکل مستقیم یا غیر مستقیم با دانش آموزان ، معلمان ، کارکنان اداری ، مدیران مدارس ، مدیران دستگاههای ستادی و اجرایی بویژه با اولیای دانش آموزان است .

برقراری ارتباط صحیح و حسنه با اقشار گفته شده از یکسو و بهره وری از حداکثر منابع انسانی و مادی در جهت تحقق اهداف انجمنها ، مستلزم خصایص و مهارتهایی است که کارشناسان و مسئولان انجمن باید بدانها متصف گردند و در خود بارور سازند که به مواردی از آنها در سطح مدیریت مدرسه نیز اشاره شد .

نظر به اهمیت نقش مدیران ، کارشناسان و مسئولان انجمن ، رعایت نکات ذیل ، زمینه را برای توفیق آنان در ایفای وظایف خویش فراهم و مساعد می سازد .

— سابقه آموزشی و سابقه معلمی — حداقل (سال) داشته باشند .

— در زمینه مدیریت دارای مهارتهای فنی انسانی و ادراکی باشند .

— در زمینه علوم تربیتی و روانشناسی ، دانش و معلومات کافی داشته باشند و از این لحاظ بتوانند معلمان مدارس را راهنمایی کنند .

— روابط و مناسبات متقابل میان مدرسه خانواده و جامعه را درک کنند و در انجام وظایف محوله ، آنها را نادیده نگیرند .

— مسایل و مشکلات روانی و رفتاری دانش آموزان را در پرتو علوم روانشناسی و رفتاری تشخیص دهند و در حل آنها کوشش نمایند .

— قوانین و مقررات نظام آموزشی را به خوبی بدانند و برای حل مشکلات مدارس از آنها مدد بگیرند .

بحث در مورد عناصر یا وظایف عمده مدیران آموزشی ، مهارتهای بایسته آنان برای توفیق در اداره واحد های آموزشی را به



۴ - باتوجه به ضرورت آگاهی کارشناسان و مسئولان انجمن در امور اداری و مقررات آموزشی و تاحدی مقررات مالی ، می باید با مطالعه مستمر قوانین آموزشی ، اسانامه ها آئین نامه ها ، بخشنامه ها و دستورالعملها نسبت به افزایش اطلاعات خود در این زمینهها همت گماشت .

۵ - باتوجه به اینکه همه تلاشهای مدیران و کارشناسان می باید درجهت اهداف هرسازمانی متبلور شود لذا باید کارشناسان و مسئولان با اهداف انجمن در راستای اهداف کلی آموزش و پرورش بخوبی آشنا شوند و به تحلیل اهداف بپردازند ، آنگونه که برنامه ریزی و عملیات خود را همواره در ارتباط با اهداف و ناظر بر آنها تهیه و تدوین نمایند .

۶ - توفیق در اهداف انجمن مستلزم عنایت اساسی به برنامه ریزی کوتاه مدت ، میان مدت و دراز مدت است . کارشناسان و مسئولان انجمن باید به اصل برنامه ریزی و برنامه داشتن معتقد بوده و دورنمای آینده فعالیت های خود را ترسیم نمایند .

۱ - کارشناسان و مسئولان انجمن باتوجه به این اصل که در مدیریت اسلامی ، مدیریت برخورد ، و خودسازی مقدم بر مدیریت بردیگران و دگر سازی است باید در تزکیه نفس ، صفای باطن صیقل دادن وجود ، و بالاخره خودسازی مجدانه بکوشند و عایقها و مانعها را بزدایند و این مهم را در اولویت برنامه های خویش قرار دهند .

۲ - از آنجا که مهارت در برقراری روابط صحیح انسانی از مهمترین نوع مهارتها در مدیریت آموزشی است ، کارشناسان و مسئولان انجمن باید از طریق تخلق به اخلاق اسلامی و ملکه کردن فضائل اخلاقی از طریق توجه تذکر و استمرار ، قدرت و توان نفوذ در دیگران و ارتباط مناسب با آنان را در خود تقویت کنند . و در این راستا از اخلاص در فکر و عمل ، حسن خلق ، سعه صدر ، صداقت ، صمیمیت و محبت و ..... برخوردار گردند .

۳ - کارشناسان و مسئولان انجمن باید در جهت رشد فرهنگی ، اجتماعی ، فکری خود از طریق خود آموزی ، مطالعه مستمر ، گذراندن دوره های مختلف آموزشی بویژه در علوم اسلامی ، علوم تربیتی و روانشناسی بکوشند و با نتایج برآمده از پژوهشهای آموزشی و پرورشی و نوآوریهای ناشی از آنها آشنا شده و مرتباً به دانش افزایی بپردازند .

ساده اندیشی است اگر گمان رود بدون دانش و آگاهیهای لازم از خصایص کودکان و نوجوانان و جوانان ، اهداف هریک از دوره های آموزشی ، اطلاعات آموزشی و اداری ووقوف به فلسفه وضع مقررات آموزشی و کاربرد آنها ، می توان به اداره دستگاههای آموزشی پرداخت .



باید به نظارت و ارزشیابی از خود از طریق خود سنجی و سپس به نظارت و ارزشیابی دیگران بپردازند و از این راه به میزان پیشرفت تنگناها، عملکرد خود و دیگران واقف گردند. در این راستا افزون و روشهای مناسب ارزشیابی به خوبی بهره گیرند.

۱۰ - درجهت رشد فکری و اخلاقی اولیای دانش آموزان و افزایش آگاهی آنان به رموز تربیت فرزندان، کارشناسان و مسئولان انجمن باید، از طریق تشکیل کلاسها، ایراد سخنرانیها ارائه مقالات و کتابهای سودمند، طرح بحثهای جالب تربیتی، آنان را در یاری دادن به تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان خویش توانا و قادر سازند و عظمت، اهمیت و اثربخشی مراقبت و تربیت بموقع فرزندانشان را یادآور شوند.

مکن در این چمن سرزنش به خودروئی  
چنانکه تربیت می دهند می رویم.

(۱) فصلنامه، تعلیم و تربیت، زمستان ۱۳۶۴، مقاله، ضرورت و اهمیت توجه به مدیریت آموزشی، دکتر علی علاقه بندص ۱۳



آنانکه در روز، می اندیشند و آنی تصمیم می گیرند چگونه می توانند داعی هدایت سازمانهای آموزشی و پرورشی را داشته باشند.

در این زمینه جمع آوری اطلاعات همه جانبه از موقعیت فرهنگی و آموزشی منطقه، تحلیل این اطلاعات و تهیه طرحهای لازم، براساس آن یک ضرورت است. زیرا تصمیم گیری در مدیریت آموزشی، بدون داشتن اطلاعات جامع و تحلیل آنها، عاقلانه بنظر نمی رسد.

۷ - انجام بررسیهای مسوردی و پاره‌ای پژوهشهای منطقه‌ای در باره، نفس، عملکرد و سایل انجمنهای اولیاء و مربیان نیز یک ضرورت است زیرا اصالت برنامه ریزی وقتی است که از بررسی و پژوهشهای لازم نشاء گرفته باشد و زیر بنای فعالیت‌های مدیران آموزشی و کارشناسان را پژوهش تشکیل دهد.

۸ - شناخت نظام آموزش و پرورش و نگاهي مجموعه‌ای و سیستمی به آن، آگاهی از اهداف و وظایف هر یک از سازمانهای ستادی و اجرایی و بهره وری بموقع از همکاری این سازمانها کارشناسان را در توفیق وظایف محوله یاری می دهد.

۹ - باتوجه به اصل نظارت و ارزشیابی در مدیریت آموزشی، کارشناسان و مسئولان انجمن

یکی از سازمانهای مهم آموزش و پرورش که رسالت پیوند و برقراری ارتباط صحیح بین اولیاء و مربیان را در کشور بر عهده دارد، انجمن اولیاء و مربیان است.

## ویژگی نوزدهم :

برای خانواده متعادل این است که در خانه اثری از معنویت باشد. مذهبی بودن نه تنها برای خود بلکه بخاطر حفظ و صیانت کودک و حسن تربیت او ضروری است زیرا که سبب جلب ایمان کودک به سوی والدین می شود و وابستگی طفل را به پدر و مادر استوار و محکم می سازد. یا دخدا، توکل براو، اتکای به او، مددخواهی از او در حضور فرزندان اثری عمیق در رشد و سازندگی شان می گذارد. بخصوص در سنین نوجوانی آنها که اضطراب از هرسو برآنان حمله وارد می آورد و کودک نیاز به محیط امن دارد.

## ویژگی بیستم

این است که پدر و مادر الگو و معرف تزی باشند که از آن در حضور کودک دفاع می کنند. یک پدر می خواهد فرزندش چگونه فردی باشد؟ خود باید همانگونه سلوک و رفتار داشته باشد. یک مادر می خواهد فرزندش در جنبه سخن و عمل و غیبت و بددهنی چگونه فردی باشد. خود باید در این جنبه ها مراقب خود باشد. اگر دل مان می خواهد فرزندمان اهل نماز اول وقت باشد خودمان سجاده را در اول وقت پهن کنیم و به نماز بایستیم. اگر می خواهیم که فرزندمان صادق و راستگو باشد خود بایدگوی صدق و صفارا از دیگران برائیم. خوب براین اساس و مخصوصا " باتوجه به محدودیت وقت عرایض را خاتمه می دهیم و امیدوارم لحظاتی را که برای استماع این عرایض گذرانید بحساب ضایعات عمرتان نباشد.

باشند و مستخدم. هر قدر تفاوت سنی در بین فرزندان کمتر باشد امکان رشد تربیتی بیشتر است.

## ویژگی هفدهم :

خانواده ای متعادل است که در آن پیوند باشد نه از هم گسستگی، در آن طلاق و متارکهای نباشد. فرزند در رابطه با پدر یا مادر منتظر دیدار و یا وعده ملاقات نباشد. این یک جراحست عاطفی بردل کودک است که از مادر جدا شود بویژه که طفل در سنین خردسالی مادر راملک خود می شناسد. و برای او بسیار گران است که مثلاً " منتظر باشد تا روز دوشنبه برسد و او مادر یا پدرش را ببیند.

## ویژگی هجدهم :

این است که فرزند در کنار پدر باشد نه ناپدری، در نزد مادر باشد نه نامادری. بهر میزان که عمر بچه در ورای این نظام بگذرد میزان عدم تعادل در رفتار بعدی بیشتر مشهود است. ناپدری هر چند خوب و ارزنده باشد پدر نیست و نامادری هر چند دوستدار کودک باشد مادر نیست. برای آنها کودک بچه مردم است و درباره بچه مردم این فکر وجود دارد که اگر دامنی و کودکی آتش بگیرد اول آتش دامن خود را فرو می نشانند بعد آتشش بدن بچه مردم را.